

دسترسی به برنامه درسی عمومی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه

دکتر قربان همتی علمدارلو / استادیار بخش کودکان استثنایی دانشگاه شیراز

دکتر عباسعلی حسین‌خانزاده / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

چکیده:

جدیدترین رویکرد در برنامه درسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، رویکرد دسترسی به برنامه درسی عمومی است. رویکرد دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی با تصویب قوانین فدرالی و ایالتی در ایالات متحده آمریکا (از قبیل قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها و قانون هیچ کودک نباید از آموزش محروم شود) و آگاهی و افزایش انتظارات والدین، معلمان و متخصصان از توانمندی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در طول بیش از سی سال پژوهش و تجربه آغاز شده است. به همین دلیل در این مقاله پس از ارائه مقدمه، دسترسی به برنامه درسی عمومی تعریف شده است. سپس ضرورت دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی و چگونگی دسترسی آنان به برنامه درسی عمومی مورد بحث قرار گرفته است. همچنین ضرورت همکاری معلمان و کارمندان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و عادی جهت حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای ویژه برای دسترسی به برنامه درسی عمومی توضیح داده شده و نقش فن‌آوری در کمک به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه جهت دسترسی به برنامه درسی عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. سرانجام، شرایط دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دسترسی، برنامه درسی عمومی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه

مقدمه

نیازهای ویژه نیز حاکی از این است که این دانش‌آموزان دارای توانمندی‌های بسیار خوبی هستند و باید انتظاراتمان را از عملکرد آنها بالاتر برده و تا جایی که امکان دارد شرایط لازم برای دسترسی آنها به برنامه درسی آموزش عمومی را فراهم کنیم. در همین راستا، قانون هیچ کودک نباید از آموزش محروم شود^۱ نیز با الزامی کردن همترازسازی محتوای تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با استانداردهای همسالان عادی‌شان، افزایش سطح انتظار از عملکرد این دانش‌آموزان را تقویت کرد. بر این اساس به طور خلاصه می‌توان گفت که رویکرد دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی با تصویب قوانین فدرالی و ایالتی در ایالات متحده آمریکا و آگاهی و افزایش انتظارات والدین، معلمان و متخصصان از توانمندی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در طول بیش از سی سال پژوهش و تجربه آغاز شد.

دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی آموزش عمومی هم در قانون آموزش افراد با ناتوانی^۱ در سال ۱۹۹۷ و هم در تجدید نظر این قانون در سال ۲۰۰۴ مورد تأکید قرار گرفته است (لیبر^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). در واقع، در سال ۱۹۹۷ کنگره آمریکا تغییرات مهمی را در قانون آموزش افراد با ناتوانی ایجاد کرد. یکی از مهمترین تغییرات در قانون مذکور، الزامی کردن دسترسی همه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی بود. براساس ویرایش جدید قانون آموزش افراد با ناتوانی (۲۰۰۴)، دانش‌آموزان با ناتوانی‌ها باید الف) به برنامه درسی عمومی دسترسی داشته باشند. ب) در برنامه درسی عمومی مشارکت داشته باشند. ج) در برنامه درسی عمومی پیشرفت داشته باشند. همسو با قانون مذکور، پژوهش‌ها و تجربیات سه دهه اخیر راجع به آموزش دانش‌آموزان با

1- The Individuals with Disabilities Education Act

2- Lieber

3- No Child Left Behind Act

شود و از حمایت لازم برای پیشرفت در آن برنامه درسی برخوردار می‌شوند گفته می‌شود که آن‌ها به برنامه درسی عمومی دسترسی دارند (کارگر^۷ و هیچکاک، ۲۰۰۴).

ضرورت دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی

۱- همه دانش‌آموزان بتوانند به مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز در دوره بزرگسالی دست یابند.

۲- توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بسیار بیشتر از توانمندی‌های بالفعل آنهاست و دسترسی آنها به برنامه درسی عمومی موجب شکوفایی هرچه بیشتر استعدادهای بالقوه آنها می‌شود.

۳- دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به محتوای تحصیلی متناسب با سن خود، باعث می‌شود که این دانش‌آموزان نیز از فرصت‌های آموزشی برابر با همسالان عادی‌شان برخوردار گردند.

۴- دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی فرصت‌های خودگردانی این دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد (برادر^۸ و همکاران، ۲۰۰۷).

چگونگی دسترسی به برنامه درسی عمومی

دانش‌آموزان با نیازهای ویژه برای دسترسی به برنامه درسی عمومی نیاز به انطباق‌سازی محتوا، انطباق‌سازی روش‌های تدریس و انطباق‌سازی روش‌های ارزشیابی دارند (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱). در واقع معلمان باید برای به حداکثر رساندن یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه حمایت‌ها و انطباق‌سازی‌های مورد نیاز آنان را فراهم کنند (کاشینگ^۹ و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین همه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه باید محتوای

دسترسی به برنامه درسی عمومی چیست؟

بر اساس قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها، دانش‌آموزان با ناتوانی‌ها حق دارند که به برنامه درسی عمومی دسترسی داشته و در برنامه درسی عمومی مشارکت نموده و پیشرفت کنند. معنی دسترسی در قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها فراتر از تلفیق^۱ و فراگیرسازی^۲ دانش‌آموزان با نیازهای ویژه است. با این توصیف می‌توان گفت که دسترسی، معنایی بیش از قرار گرفتن دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در کنار دانش‌آموزان عادی دارد (کندی و هورن^۳، ۲۰۰۴). در واقع از نظر قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها، دسترسی به برنامه درسی عمومی یعنی این که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز از همان برنامه درسی دانش‌آموزان عادی برخوردار شوند (وهمایر^۴، ۲۰۰۳). بنابراین، برنامه درسی عمومی همان برنامه‌ای است که برای دانش‌آموزان عادی تدوین شده است. هدف برنامه درسی عمومی، راهنمایی فعالیت‌های آموزشی و فراهم‌سازی هدف‌ها و مقاصد آموزشی، محتوا، روش‌ها و پیامدهای آموزشی برای همه دانش‌آموزان است (هیچکاک^۵ و همکاران، ۲۰۰۲). در نتیجه می‌توان بدین صورت خلاصه کرد که برنامه درسی مجموعه‌ای از برنامه‌ها و فعالیت‌ها است که منجر به یادگیری کودکان می‌شود (مارش و ویلیس^۶، ۱۹۹۵). به عبارت دیگر برنامه درسی یعنی آنچه که در مدرسه به کودکان آموزش داده می‌شود و برنامه درسی عمومی یعنی آنچه که به دانش‌آموزان عادی آموزش داده می‌شود. از این رو زمانی که به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز همانند همسالان عادی‌شان فرصت یادگیری همان برنامه درسی داده می‌-

- 1- Mainstreaming
- 2- Inclusion
- 3- Kennedy & Horn
- 4- Wehmeyer
- 5- Hitchcock
- 6- Marsh & Willis

7-Karger
8- Browder
9- Cushing

برنامه درسی عمومی و همایر و همکاران (۲۰۰۱) الگویی (شکل ۲) را برای طراحی برنامه آموزش انفرادی جهت دسترسی و پیشرفت در برنامه درسی عمومی ارائه کرده- اند. براساس این الگو آموزش دانش آموز با نیازهای ویژه با برنامه درسی عمومی شروع می شود، اما نیازهای انفرادی دانش آموز با اصلاح برنامه در سه سطح به شرح زیر مورد ملاحظه قرار می گیرد.

انطباق سازی برنامه درسی: انطباق سازی برنامه درسی^۳ یعنی انطباق سازی روش ارائه برنامه درسی و جذاب کردن برنامه درسی برای یادگیری و مشارکت هرچه بیشتر دانش آموز با نیازهای ویژه با برنامه درسی (برای مثال تغییر اندازه فونت های متن، تغییر اندازه تصاویر و رئوس مطالب، استفاده از اشیاء عینی و ملموس برای نشان دادن اعداد) (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱). هدف از انطباق سازی برنامه درسی، غلبه بر موانعی است که دانش آموز با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی با آن مواجه است (نولت و مک لاگین^۴، ۲۰۰۵). انطباق سازی برنامه درسی به عنوان تلاش برای اصلاح روش های ارائه برنامه درسی و اصلاح نوع پاسخ دهی دانش آموز به برنامه درسی تعریف می شود (دشلر و چامیکر^۵، ۲۰۰۶).

ارائه برنامه درسی به روش ارائه اطلاعات در برنامه درسی اشاره دارد. معمولاً اطلاعات به صورت چاپ شده مثل کتاب درسی، کتاب کار و بیشتر به صورت سخنرانی ارائه می شوند. با این وجود روش های گوناگونی جهت تغییر روش ارائه اطلاعات وجود دارد که عبارتند از تغییر اندازه قلم و استفاده از نمودارها و تصاویر بیشتر، استفاده از فیلم ویدئویی، استفاده از رایانه و اینترنت. اصلاح نوع پاسخ دهی دانش آموزان به برنامه درسی، بازده و عملکرد دانش آموزان با نیازهای ویژه را به طور قابل ملاحظه ای

تحصیلی متناسب با پایه تحصیلی خود را بر اساس استانداردهای انطباق سازی شده آموزش ببینند و پیشرفت- شان براساس استانداردهای انطباق سازی شده مورد سنجش قرار گیرد (برادر و همکاران، ۲۰۰۴). در واقع استانداردهای پیشرفت انطباق سازی شده، انتظارات متفاوتی از تسلط دانش آموزان با نیازهای ویژه بر محتوای سطح پایه شان دارد. زیرا محتوا از نظر وسعت و دشواری محدودتر است و مهارت های مقدماتی و پیش نیاز را دربر می گیرد (وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده، ۲۰۰۵). با این وجود، محتوا باید کاملاً مرتبط با محتوای سطح پایه تحصیلی دانش آموز باشد (وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده، ۲۰۰۵).

همانطور که در شکل ۱ ملاحظه می شود، دسترسی به برنامه درسی آموزش عمومی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه با تدوین استانداردهای محتوایی انطباق سازی شده شروع می شود که این استانداردها باید منجر به هدف های برنامه آموزش انفرادی و برنامه درسی و فعالیت های آموزشی چالش انگیز برای دانش آموزان با نیازهای ویژه گردد. همچنین برای تعیین میزان دستیابی دانش آموزان به استانداردها از سنجش های انطباق سازی شده استفاده می- شود. شایان ذکر است که محتوای برنامه آموزش انفرادی دانش آموزان با نیازهای ویژه باید مبتنی بر دسترسی به برنامه درسی آموزش عمومی باشد و نباید منحصر به برنامه درسی کار کردی شود (وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده، ۲۰۰۵). زیرا وقتی محتوای برنامه آموزش انفرادی دانش آموزان با نیازهای ویژه مرتبط با استانداردهایی باشد که جامعه از همه دانش آموزان انتظار دارد، آنگاه این دانش آموزان می توانند به سطح بالاتری از پیشرفت دست یابند (تامپسون^۲ و همکاران، ۱۹۹۱).

در راستای دستیابی دانش آموزان با نیازهای ویژه به

3-Curriculum Adaptation

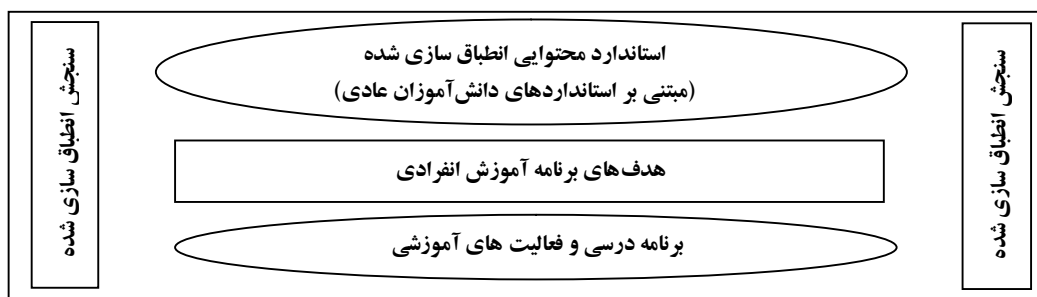
4-Nolet & McLaughlin

5-Deshler & Schumaker

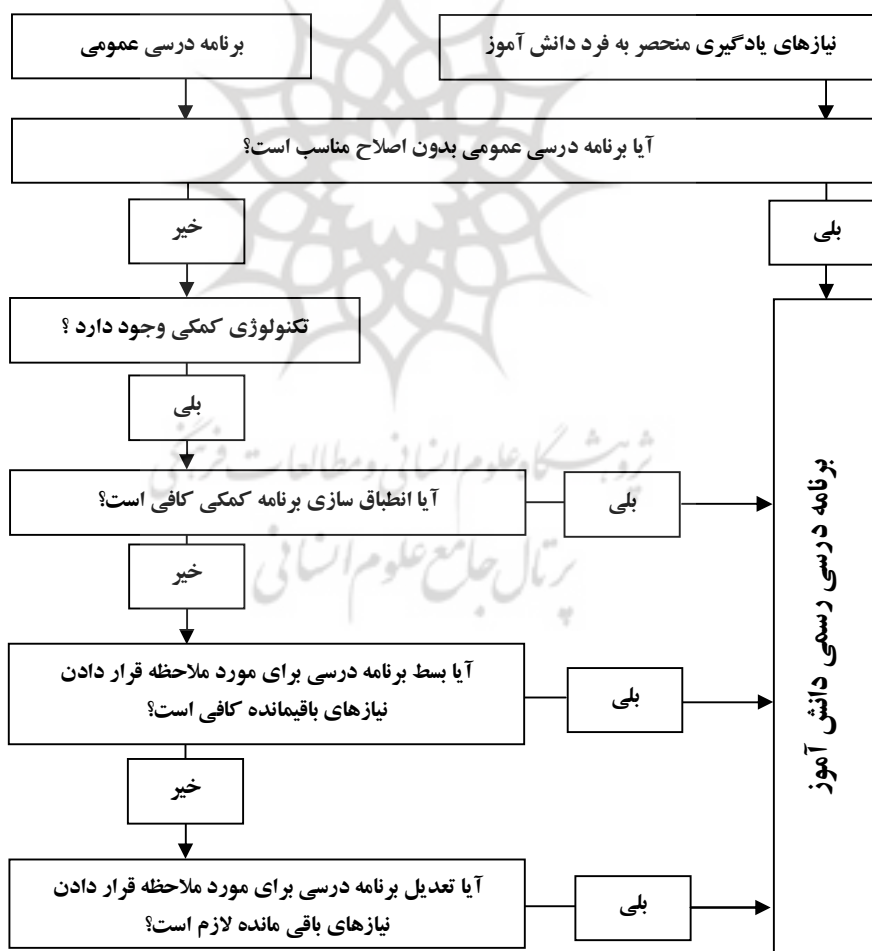
1- United States Department of Education

2- Thompson

تحت تأثیر قرار می دهد. موسیقی، تصویربرداری و هنر نیز دانش آموزان می توانند معمولاً دانش آموزان به صورت کتبی و در مواردی نیز به صورت شفاهی به برنامه درسی پاسخ می دهند. با این وجود با شیوه های گوناگون دیگری مثل عکاسی، نمایش، همکاران، (۲۰۰۱).



شکل ۱: دسترسی به برنامه درسی آموزش عمومی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه



شکل ۲: الگوی دسترسی به برنامه درسی عمومی (برگرفته از وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱)

را قادر می‌سازد تا محیط‌شان را بررسی کرده و برای کنار آمدن با محیط، پاسخ‌هایشان را اولویت‌بندی کنند. زیمرمن^۶ (۱۹۹۰) خودتنظیمی را به عنوان میزانی که افراد از نظر فراشناختی، انگیزشی و رفتاری فعالانه در فرایند یادگیری‌شان مشارکت می‌کنند، تعریف می‌نماید.

راهبردهای یادگیری شاگرد-محور شامل آموزش راهبردهایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا رفتارشان را اصلاح و تنظیم کنند (آگران^۷، ۱۹۹۷). خودآموزی^۸، خودنظارتی^۹ و خودتقویتی^{۱۱} از جمله راهبردهای یادگیری شاگرد-محور هستند. هم راهبردهای شناختی و هم راهبردهای خودتنظیمی یا خودمدیریتی برای تعمیم‌دهی اطلاعات آموخته شده ارزشمند هستند (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱).

سومین روش بسط برنامه درسی افزایش خودگردانی^{۱۱} دانش‌آموز است (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱). خودگردانی شامل هدف‌گزینی، مهارت‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری، خودآگاهی، مهارت‌های رهبری و خودپیروی است (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۷). همانند راهبردهای یادگیری شاگرد-محور، افزایش خودگردانی نیز بر کنترل و هدایت دانش‌آموز بر فرایند یادگیری‌اش تمرکز دارد (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱).

تعدیل برنامه درسی: تعدیل برنامه درسی^{۱۲} یعنی تغییر برنامه درسی عمومی به نحوی که دانش و مهارت‌های کارکردی‌تر و خاص‌تری را مورد توجه و ملاحظه قرار دهد (نولت و مک لاگین، ۲۰۰۵). در این مرحله محتوای مورد نیاز دانش‌آموز با نیازهای ویژه که در برنامه درسی عمومی وجود ندارد، در برنامه آموزش انفرادی دانش-

بسط برنامه درسی: بسط برنامه درسی^۱ یعنی گسترش برنامه درسی جهت آموزش راهبردها و فنونی برای بهبود ظرفیت دانش‌آموز با نیازهای ویژه به گونه‌ای که احتمال موفقیت آنها در برنامه درسی افزایش یابد (برای مثال اضافه کردن درس‌هایی که خودآموزی را به دانش‌آموز آموزش می‌دهد) (اسمیت و تایلر^۲، ۲۰۱۲). بسط منجر به تغییر برنامه درسی نمی‌شود، بلکه راهبردهای اضافی و بیشتری را برای دانش‌آموز فراهم می‌نماید به گونه‌ای که موفقیت دانش‌آموز در برنامه درسی افزایش می‌یابد. برای مثال همان‌طور که قبلاً ذکر شد ارائه اطلاعات به صورت نمودار به جای ارائه اطلاعات به صورت توضیحی نوعی انطباق‌سازی برنامه درسی است که روش ارائه اطلاعات را تغییر می‌دهد. اما آموزش این که دانش‌آموز از یک منبع شروع کند (متن کتاب) و برای افزایش درک مطلب از متنی که می‌خواند برای خودش نمودار مفهومی و موضوعی آماده کند، نمونه‌ای از بسط برنامه درسی است. یعنی برنامه درسی بسط می‌یابد تا نه تنها دانش‌آموز محتوای مورد نظر را یاد بگیرد بلکه راهبردی را به دانش-آموز آموزش می‌دهد تا دانش‌آموز محتوای مورد نظر را موثرتر و بهتر یاد بگیرد (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱).

روش‌های گوناگونی برای بسط برنامه درسی وجود دارد که از جمله آنها راهبردهای شناختی هستند که برای بسط برنامه درسی و بهبود عملکرد دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرند. فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری شاگردمحور^۳ و افزایش مهارت‌های خودتنظیمی^۴ دانش-آموزان نیز روش دیگری برای بسط برنامه درسی است. ویتمن^۵ (۱۹۹۰) خودتنظیمی را به شرح زیر تعریف می‌کند خودتنظیمی نظام پاسخ‌دهی پیچیده‌ای است که افراد

6 - Zimmerman

7 - Agran

8 - Self-instruction

9 - Self-Monitoring

10 - Self-reinforcement

11 - Self-Determination

12 - Curriculum Alteration

1- Curriculum Augmentation

2- Smith & Tyler

3 - Student-directed

4 - Self-regulation

5 - Whitman

مواد و وسایل (برای مثال تصاویر به جای متن طولانی، یا خلاصه کردن ایده‌های اصلی) روش ارائه (برای مثال استفاده از ضبط و پخش برای کسانی که نمی‌توانند خوب بخوانند، یا استفاده از برنامه‌های متن خوان برای خواندن اطلاعات تحت شبکه اینترنت) یا تغییر چگونگی انجام تکالیف و برنامه درسی توسط دانش‌آموز (برای مثال بیان عقاید و نظرات از طریق نمایش و کار هنری به جای نوشتن آن). این‌گونه انطباق‌سازی‌ها اکثر یادگیرندگان را قادر می‌سازد که بتوانند به برنامه درسی عمومی دسترسی پیدا کنند. این مؤلفه‌ها بخشی از برنامه درسی دانش‌آموز می‌شوند و باید در برنامه آموزش انفرادی گنجانده شود.

مرحله بعدی مورد ملاحظه قرار دادن میزان بسط برنامه درسی برای فراهم کردن شرایط دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی است. فرایند بسط، برنامه درسی را تغییر نمی‌دهد بلکه برای فراهم‌سازی راهبردهایی برای موفقیت دانش‌آموزان در برنامه درسی مطالبی به آن می‌افزاید و آن را بسط می‌دهد. نمونه‌هایی از چگونگی بسط برنامه درسی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه عبارتند از: راهبردهای خودنظارتی، راهبردهای خودمدیریتی و راهبردهای خودگردانی. راهبردهای خودنظارتی افراد را قادر می‌سازد که محیط‌شان را بررسی کرده و برای سازگاری با محیط، از بین پاسخ‌های مختلفی که در خزانه رفتاری‌شان قرار دارد، بهترین آن را برای واکنش به محیط به کار گیرند. همچنین این راهبردها به دانش‌آموز کمک می‌کنند که مقبولیت و مطلوبیت پیامدهای اعمال‌شان را ارزیابی نموده و برنامه و طرح خود را بازنگری کنند (اسمیت و تایلر، ۲۰۱۲). همچنین راهبردهای خودمدیریتی به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه می‌آموزد که چگونه رفتارشان را مدیریت کنند. در همین راستا راهبردهای خودگردانی نیز بر کنترل و هدایت فرایند یادگیری توسط دانش‌آموز تمرکز دارد.

آموز اضافه می‌شود. در واقع هدف از تعدیل برنامه درسی فراهم‌سازی روش‌هایی برای توجه به نیازهای منحصر به فرد دانش‌آموز است (اسمیت و تایلر، ۲۰۱۲). در این مرحله تیم برنامه آموزش انفرادی باید مهارت و دانش‌های مورد نیاز دانش‌آموز با نیازهای ویژه را که در برنامه درسی عمومی مورد ملاحظه قرار نگرفته است را مدنظر قرار دهند و برای برآوردن نیازهای دانش‌آموز، آنها را در محتوای برنامه درسی دانش‌آموز بگنجانند. شایان ذکر است که موقع تصمیم‌گیری در مورد انطباق‌سازی، بسط و تعدیل برنامه درسی، هم محتوا و الزامات برنامه درسی و هم نیازها و توانمندی‌های دانش‌آموز باید مورد ملاحظه قرار گیرد (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱).

همان‌طور که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، الگوی مذکور با این سؤال آغاز می‌شود که آیا برنامه درسی عمومی که مشتمل بر استانداردهای دانش‌آموزان عادی است برای برآوردن نیازهای آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه کافی است؟ جواب این سؤال برای اکثر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه یا خیر است و یا این که بله مشروط است. بدین صورت که بعضی از مؤلفه‌های برنامه درسی عمومی برای آنها مناسب بوده اما بسیاری از مؤلفه‌های آن متناسب با نیاز و توانمندی این دانش‌آموزان نیست. در این مرحله آن بخش‌هایی که بدون انطباق‌سازی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مناسب است، باید شناسایی شود و در محتوای برنامه آموزش انفرادی گنجانده شود.

مرحله دوم توجه به این است که آیا استفاده از فن-آوری کمکی به مناسب تر شدن برنامه درسی و محتوای جایگزین کمک می‌کند. بخش‌هایی از برنامه درسی عمومی را که با استفاده از فن‌آوری کمکی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مناسب می‌شوند را مناسب‌سازی نموده و در برنامه رسمی دانش‌آموز گنجانده می‌شود. در این مرحله انطباق‌سازی به صورت تغییر چگونگی ارائه

کنند (کاشینگ و همکاران، ۲۰۰۵).
 ۳- تدوین برنامه آموزش انفرادی: زمانی که معلمان آموزش ویژه از استانداردهای کلاس و انتظاراتی که معلم کلاس از دانش آموزان دارد، آگاه شدند، بهتر می‌توانند هدف‌های برنامه آموزش انفرادی را تدوین کنند. در تدوین برنامه آموزش انفرادی، چگونگی مشارکت و پیشرفت دانش آموزان با نیازهای ویژه در برنامه درسی، باید در هدف‌های برنامه آموزش انفرادی لحاظ شود. همچنین باید وسایل و خدمات کمک آموزشی مناسب، انطباق‌سازی‌ها، اصلاحات و حمایت‌های مورد نیاز دانش‌آموز با نیازهای ویژه در برنامه آموزش انفرادی مشخص شود و نیازهای آموزشی منحصر به فرد دانش‌آموز با نیازهای ویژه که در کلاس‌های درس عمومی فراهم نمی‌شود، شناسایی شده و مورد ملاحظه قرار گیرد (کارگر و هیچکاک، ۲۰۰۴).

۴- مشاهده کلاس درس: پس از تعیین استانداردها و هدف‌های آموزش انفرادی، دانش‌آموز در کلاس مورد مشاهده قرار می‌گیرد تا حمایت و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموز جهت پیشرفت او شناسایی شود. مثلاً مشخص می‌شود که دانش‌آموز با نیازهای ویژه در پیروی از دستورات یا تعامل با همسالان مشکل دارد. در نتیجه باید یک همکلاسی برای انتخاب کرد که در کلاس با او تعامل داشته و او را همراهی کند (کاشینگ و همکاران، ۲۰۰۵).

۵- طراحی و اجرای انطباق‌سازی‌ها: سرانجام باید معلمان به گونه‌ای انطباق‌سازی انجام دهند که نه تنها دانش‌آموزان بتوانند به کلاس‌های آموزش عمومی دسترسی پیدا کنند، بلکه مشارکت اجتماعی و تحصیلی آنها نیز افزایش یابد. انطباق‌سازی باید متناسب با سن، کارکردی و قابل ملاحظه باشد و کمترین محدودیت اجتماعی را برای دانش‌آموز ایجاد کند که معلمان هنگام انطباق‌سازی باید آنها را مورد ملاحظه قرار دهند.

خودگردانی شامل تلاش برای افزایش هدف‌گزینی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل‌مسأله، خودآگاهی، خود پیروی و مهارت‌های رهبری است. محتوای برنامه درسی آموزش انفرادی باید این‌گونه بسط‌ها را در برنامه درسی لحاظ کند. در مرحله آخر باید مشخص کنیم که آیا با اصلاحات مراحل قبلی برنامه آموزشی برای دانش‌آموز با نیازهای ویژه مناسب و کافی است یا اینکه باید محتوای ویژه‌ای نیز به برنامه انطباق‌سازی شده اضافه شود. در واقع در این مرحله نیازهای منحصر به فرد دانش‌آموز مورد ملاحظه قرار گرفته و در برنامه آموزش انفرادی گنجانده می‌شود (وهمایر و همکاران، ۲۰۰۱).

شرایط دسترسی به برنامه درسی عمومی

۱- تعیین استانداردهای تحصیلی: استانداردهای تحصیلی چهارچوبی را فراهم می‌کند که از برنامه درسی، آموزش و سنجش در کلاس‌های آموزش عمومی حمایت می‌کند. در واقع استانداردهای تحصیلی انتظارات معلم از همه دانش‌آموزان را مشخص می‌سازد و راهنمایی است برای معلمان ویژه و عمومی در طراحی اینکه چگونه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی دسترسی پیدا کنند (کلیتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

۲- شناسایی انتظارات کلاس درس: شناسایی انتظاراتی که معلم آموزش عمومی از دانش‌آموزان کلاس دارد، می‌تواند به معلم ویژه در طراحی انطباق‌سازی‌های مناسب، شناسایی مهارت‌های مورد نیاز برای انجام فعالیت‌هایی که دائماً در کلاس اتفاق می‌افتند و برنامه‌ریزی برای مشارکت تحصیلی و اجتماعی کمک کند. علاوه بر این‌ها، زمانی که معلم آموزش عمومی و معلم ویژه انتظارات یکدیگر از فعالیت‌های آموزشی را به روشنی فهمیدند، آنگاه می‌تواند آموزش فراگیر را به بهترین شکل اجرا

1- Clayton

درسی عمومی از جنبش‌های قدیمی‌تر، همچون دسترسی به خدمات آموزش ویژه و دسترسی فیزیکی به ساختمان مدارس بسیار فراتر بوده و حتی از جنبش‌های تلفیق و فراگیرسازی هم پا را فراتر می‌گذارد. در واقع در رویکرد دسترسی به برنامه درسی عمومی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه علاوه بر دسترسی به برنامه درسی عمومی و قرار گرفتن در کنار دانش‌آموزان عادی باید در برنامه درسی عمومی مشارکت داشته و پیشرفت نمایند. مشارکت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی مستلزم این است که هدف‌های برنامه آموزش انفرادی چگونگی مشارکت و پیشرفت دانش‌آموز با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی را مورد ملاحظه قرار دهد، وسایل و خدمات کمک آموزشی مناسب، انطباق‌سازی‌ها، اصلاحات و حمایت‌های مورد نیاز دانش‌آموز با نیازهای ویژه را مشخص کند و نیازهای آموزشی منحصر به فرد دانش‌آموز با نیازهای ویژه را که در کلاس‌های درس عمومی فراهم نمی‌شود را تعیین نماید. همچنین، پیشرفت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی مستلزم این است که برنامه آموزش انفرادی روش‌های سنجش پیشرفت به‌سوی دستیابی به هدف‌های برنامه آموزش انفرادی را بیان کند، در صورت لزوم دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با انطباق‌سازی مناسب در سنجش‌های رسمی استانی و کشوری نیز شرکت نموده و نمره قبولی را کسب کنند و سازمان آموزش و پرورش استثنایی پیشرفت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در دستیابی به هدف‌ها و استانداردهای تعیین شده را به‌طور مستمر مورد ارزیابی قرار دهد. همان‌گونه که ملاحظه گردید دسترسی به برنامه درسی آموزش عمومی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با تدوین استانداردهای محتوایی انطباق‌سازی شده شروع می‌شود که این استانداردها باید منجر به هدف‌های برنامه آموزش انفرادی و برنامه درسی و فعالیت‌های آموزشی چالش‌انگیز برای دانش‌آموزان با

انطباق‌سازی متناسب با سن شامل استفاده از راهبردها و مواد و وسایل آموزشی است که برای دانش‌آموزان همسن عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. انطباق‌سازی کارکردی یعنی این که در کمک به دانش‌آموزان جهت دسترسی به برنامه درسی عمومی موثر و مفید باشد. انطباق‌سازی قابل ملاحظه یعنی به دانش‌آموزان کمک کند که هدف انطباق‌سازی را درک کنند و از آن استفاده نمایند. انطباق‌سازی با کمترین محدودیت اجتماعی یعنی اینکه به گونه‌ای انطباق‌سازی شود که دانش‌آموزان از نظر اجتماعی از همسالانشان جدا نشوند یا مانع مشارکت آنها در فعالیت‌های کلاسی نشود. برای مثال می‌توان از تک‌تک اعضای کلاس خواست که در ساعات معینی دستیار کودک با نیاز ویژه شوند (کاشینگ و همکاران، ۲۰۰۵).

۶- سنجش پیشرفت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه: سنجش میزان دستیابی دانش‌آموز با نیازهای ویژه به هدف‌های تدوین شده باید توسط تیم برنامه آموزش انفرادی صورت گیرد (کاشینگ و همکاران، ۲۰۰۵).

نتیجه گیری

همان‌طور که ذکر شد تصویب لایحه دسترسی به برنامه درسی عمومی در قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها در آمریکا در سال ۱۹۹۷ زمینه دسترسی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی را فراهم کرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه درسی یعنی آنچه که در مدرسه به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود و برنامه درسی عمومی یعنی آنچه که به دانش‌آموزان عادی آموزش داده می‌شود. از این رو زمانی که به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز همانند همسالان عادی‌شان فرصت یادگیری همان برنامه درسی داده می‌شود و از حمایت لازم برای پیشرفت در آن برنامه درسی برخوردار می‌شوند، گفته می‌شود که آنها به برنامه درسی عمومی دسترسی دارند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دسترسی به برنامه

نیازهای ویژه گردد. همچنین برای تعیین میزان دستیابی دانش آموزان به استانداردهای تعیین شده باید از سنجش‌های انطباق‌سازی شده استفاده گردد. شایان ذکر است که اگرچه آموزش دانش آموز با نیازهای ویژه با برنامه درسی عمومی شروع می‌شود، اما نیازهای انفرادی دانش آموز با اصلاح برنامه درسی به کمک فن آوری در سه سطح انطباق‌سازی برنامه درسی، بسط برنامه درسی و تعدیل برنامه درسی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در خاتمه لازم

به ذکر است که دسترسی دانش آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی مستلزم فراهم سازی شرایطی از قبیل تعیین استانداردهای تحصیلی، شناسایی انتظارات کلاس درس، تدوین برنامه آموزش انفرادی و گنجاندن هدف‌های شناسایی شده در آن، مشاهده کلاس درس، طراحی و اجرای انطباق‌سازی‌های مناسب و سنجش مستمر پیشرفت دانش آموزان با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی است.

منابع:

- Agran, M. (1997). Student-directed learning: Teaching self-determination skills. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
- Browder, D., Spooner, F., Ahgrim-Delzell, L., Flowers, C., Algazzine, B. & Karvonen, M. (2004). A content analysis of the curricular philosophies reflected in states alternate assessment performance indicators. *Research & Practice for Persons with Severe Disabilities*, 28(4), 165-181.
- Browder, D.M., Wakeman, S.Y., Flowers, C., Rickelman, R.J. & Pugalee, D., & Karvonen, M. (2007). Creating Access to the General Curriculum With Links to Grade-Level Content for Students With Significant Cognitive Disabilities: An Explication of the Concept. *The Journal of Special Education*, 41(1), 2-16.
- Clayton, J., Burdge, M., Denham, A., Kleinert, H.L., & Kearns, J. (2006). A Four Step Process for Accessing the General Curriculum for Students With Significant Cognitive Disabilities. *Teaching Exceptional Children*, 38(5), 20-27.
- Cushing, L. S., Clark, N.M., Carter, E.W., Kennedy, C.H. (2005). Access to the General Education Curriculum for Students With Significant Cognitive Disabilities. *Teaching Exceptional Children*, 38(2), 6-13.
- Deshler, D. & Schumaker, J. (2006). *Teaching Adolescents With Disabilities: Accessing the General Education Curriculum*. California: Corwin Press.
- Hitchcock, C., Meyer, A., Rose, D., & Jackson, R. (2002). Providing new access to the general curriculum: Universal Design for Learning. *Teaching Exceptional Children*, 35(2), 8-17.
- Karger, J. & Hitchcock, C. (2004). Access to the general curriculum for students with disabilities. National Center for Accessing the General Curriculum.
- Katz, L. (2000). Under The Magnifying Glass: Curriculum. *Indiana Deafblind Services Project*, 12(1), 1-6.
- Kennedy, C.H., & Horn, E. M. (2004). *Inclusion of students with severe disabilities*. Boston: Allyn and Bacon.
- Lieber, J., Horn, E., Palmer, S., & Fleming, K. (2008). Access to the General Education Curriculum for Preschoolers with Disabilities: Children's School Success. *Exceptionality*, 16, 18-32.
- Marsh, C., & Willis, G. (1995). *Curriculum: Alternative approaches, ongoing issues*. New Jersey: Merrill/Prentice-Hall.
- Nolet, V. & McLaughlin, M.J. (2005). *Accessing the General Curriculum: Including Students With Disabilities in Standards-Based Reform*. California: Corwin Press.
- Smith, D.D., & Tyler, N.C. (2012). *Introduction to Special Education: Making A Difference*. New York: Merrill.
- Thompson, S., Quenemoen, R., Thurlow, M., & Ysseldyke, J. (1991). *Alternate assessment for students with disabilities*. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- United States Department of Education, (2005). *Alternate achievement standards for students with the most significant cognitive disabilities: Non-regulatory guidance*. Available at: <http://www2.ed.gov/policy/elsec/guid/altguidance.pdf>
- Wehmeyer, M., Lattin, D. & Agran, M. (2001). Achieving access to the general curriculum for students with mental retardation: A curriculum decision-making model. *Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities*, 36(4), 327-342.
- Wehmeyer, M.L. (2003). Defining Mental Retardation and Ensuring Access to the General Curriculum. *Education and Training in Developmental Disabilities*, 38(3), 271-282.
- Wehmeyer, M.L., Agran, M., Hughes, C., Martin, J.E., Mithaug, D.E. & Palmer, S.B. (2007). *Promoting Self-Determination in Students with Developmental Disabilities*. New York, the Guilford Press.
- Whitman, T. L. (1990). Self-regulation and mental retardation. *American Journal on Mental Retardation*, 94, 347-362.
- Zimmerman, M. A. (1990). Toward a theory of learned hopefulness: A structural model analysis of participation and empowerment. *Journal of Research in Personality*, 24, 71-86.